

دکتر یحیی فوزی، استاد اندیشه سیاسی از جایگاه «وفاق ملی» در سیره سیاسی حضرت امام خمینی^(ع) می گوید

وفاق؛ ضرورت عقلانی و استراتژیک برای بقای ایران

به باور امام ارجاع اختلافات به رأی مردم بهترین راه برای گذر مسالمت آمیز از تنش های اجتماعی است



جناب دکتر فوزی، در منظومه فکری حضرت امام خمینی (ره)، وفاق ملی چه جایگاهی دارد؟

حضرت امام خمینی (ره) وفاق ملی را امری «فائز» نمی دانست؛ بلکه آن را ضرورتی دینی، عقلانی و سیاسی برای بقا و اقتدار نظام اسلامی می شمرد؛ ضرورتی که همچنان در شرایط امروز نیز کارآمد و الهام بخش است. «وفاق ملی» در اندیشه سیاسی امام (ره) نه تنها به مثابه یک «راهبرد سیاسی» در دوران انقلاب، بلکه به عنوان سنگ بنای پایداری نظام اسلامی در دوران تثبیت بود. حضرت امام (ره) با درکی واقع گرایانه از جامعه ایران که سرشار از تنوع قومی، مذهبی و فکری است، بر این باور بودند که تنها از رهگذر توافق جمعی و پذیرش تنوع می توان به انسجام و یکپارچگی رسید.

«مردم سالاری» و «وفاق» در مشی عملی حضرت امام (ره) در چه نیستی قرار می گیرند؟

در عرصه عمل نیز امام (ره) توانست با شعارهایی همچون «همه با هم» و «بد واحد باشید» گروه های سیاسی متضاد، افشار گوناگون اجتماعی و حتی منتقدان را به سوی وحدت و همبستگی در مسیر پیشبرد انقلاب فرا بخواند. این وفاق نه یک تاکتیک موقت، بلکه ضرورتی دینی، عقلانی و اخلاقی در نگاه ایشان بود؛ ضرورتی که مردم سالاری را به ستون فقرات وحدت ملی بدل می کرد. از نظر ایشان، بدون مشارکت همه جانبه مردم و احترام به نقش آفرینی آنان، هیچ وفاقی دوام نخواهد داشت.

در نگاه حضرت امام (ره) «مردم سالاری» ابزار تحقق وفاق است؛ یعنی مردم سالاری نه فقط برای مشروعیت بخشی به نظام سیاسی، بلکه به مثابه مکانیزمی کارآمد برای حل منازعات اجتماعی،

فرهنگی و سیاسی طراحی شده است. امام «جمهوریت» را نه در تقابل با اسلام، بلکه در امتداد آن می دید. ایشان باور داشت که ارجاع اختلافات به رأی مردم، بهترین راه برای گذر مسالمت آمیز از تنش های اجتماعی است. نقطه اوج این تفکر را می توان در فرارندوم جمهوری اسلامی دید؛ جایی که حضرت امام (ره) به رغم تأکید بر اسلامی بودن نظام، تعیین آن را به مردم واگذار کرد. در واقع، وفاق در اندیشه امام، بدون بهره گیری از بستر مردم سالاری، نه ممکن بود و نه مشروع.

در سیره سیاسی حضرت امام (ره) «وفاق ملی» با «عدالت اجتماعی» چه فصل مشترکی دارند؟

اگر «عدالت اجتماعی» را تحقق حقوق الهی و قراردادی افراد جامعه بدانیم؛ از نگاه حضرت امام (ره) وفاق ملی بدون عدالت اجتماعی پایدار نخواهد بود. وفاق ملی زمانی تحقق می یابد که همه افشار جامعه، فارغ از موقعیت مذهبی، قومی یا سیاسی، احساس کنند حقوق آنان در ساختار حکومتی رعایت می شود. لذا تأمین و تحقق حقوق الهی مانند کرامت انسانی، آزادی، حق تعیین سرنوشت، حقوقی ذاتی و همچنین حقوق قراردادی (نظیر حقوق مندرج در قانون اساسی که با رأی مردم تعیین شده) پیش نیاز و محور هرگونه وفاق ملی پایدار محسوب می شود.

آیامی توان از اندیشه امام خمینی (ره) الگویی نظری برای «وفاق ملی» استخراج کرد؟ این الگو چگونه «وحدت» را به رسمیت شناختن تنوع و تکرار حفظ می کند؟

بی تردید، منظومه فکری امام خمینی (ره) قابلیت ارائه الگویی

نظری و بومی برای تحقق وفاق در جوامع متکثر را دارد. این الگو بر دو پایه «شناخت واقعیت های جامعه ایران» و «اتکا بر بنیان های دینی و عقلانی اسلام» استوار است. امام خمینی (ره) به درستی جامعه ایران را ترکیبی از قومیت ها، مذاهب، زبان ها و جریان های فکری گوناگون می دانست. از مارکسیست ها و لیبرال ها تا اقوامی چون کرد، بلوچ، ترکمن، عرب و لر، همگی جزئی از بافت متکثر ایران هستند. تنوع مذهبی نیز (اعم از شیعه، سنی، زرتشتی، مسیحی و یهودی) از دیگر واقعیت های بنیادین جامعه ایرانی است. امام خمینی (ره) ساختار جامعه ایران را با همه لایه های متنوع آن به درستی شناخت و تنوع قومی، مذهبی، زبانی و حتی سیاسی را تهدید تلقی نکرد. از نگاه ایشان، همین تکرار، اگر در مسیر اهداف ملی جهت دهی شود، سرمایه ای برای قدرت ملی خواهد بود. او به جای حذف یا سرکوب تفاوت ها، بر همگرایی حول «منافع مشترک» و «دشمنان مشترک» تأکید می کرد. اینها نشان می دهد که وفاق از دیدگاه امام، یک ضرورت اخلاقی، عقلانی و استراتژیک برای بقای ایران است. ایشان با اتکا بر منابع قرآن، سنت پیامبر (ص) و تعالیم اهل بیت (ع) و آیه و «وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا» بر سه رسمیت شناختن تفاوت های قومی و فرهنگی برای رسیدن به تعامل و تعارف تأکید داشت.

آیا وفاق ملی در اندیشه امام (ره) به معنای «اجماع اجباری» است؛ یا امکان گفت وگوی میان فرهنگی، تعاملات فکری و سیاسی در آن پیش بینی شده است؟

یکی از ارکان مهم وفاق ملی پایدار «اجماع سازی» است و اجماع سازی مبتنی بر «گفت وگوهای میان فرهنگی»، «تعاملات فکری» و «مدارای سیاسی» است. این سیره امام خمینی (ره) در دهه اول انقلاب در هنگام تعیین نظام سیاسی و تدوین قانون اساسی و حتی در مواجهه با مخالفان و منتقدان به خوبی مشهود است. به همین دلیل بود که حضرت امام (ره) در دهه اول انقلاب از مناظره های تلویزیونی بین گروه های مخالف و موافق (تا زمانی که آنان به اقدامات خشن روی نبراده بودند) حمایت می کردند و اجماع سازی را از طریق این گفت وگوها پیش می بردند و داور نهایی را رأی مردم می دانستند. همین اجماع سازی بستر شد تا نظام سیاسی و قانون اساسی با آرای اکثریت قاطع تصویب شود و مردم در بحران های مختلف در کنار نظام سیاسی بایستند.



برش

آن که با زبان زمانه و مخاطب شناسی دقیق، بیان شود. برای نسل امروز که با پیچیدگی های جدید اجتماعی، رسانه ای و جهانی مواجه است، باید اندیشه امام را با زبانی معاصرو کاربردی بازخوانی کرد.

روح اندیشه امام (ره) در بحث ضرورت وفاق اجتماعی مبتنی بر سه اصل است: «لحاظ کردن تفاوت های فرهنگی- اجتماعی»، «تأکید بر حقوق قانونی و دینی مردم» و «بهره گیری از گفت وگو و اجماع سازی برای ایجاد انسجام اجتماعی». این سه اصل، همچنان می توانند راهگشای چالش های امروز ما شوند و به زبان نسل امروز تبیین شود؛ چرا که این اصول و ارزش ها فرازمانی است.

آیا وفاق ملی در اندیشه امام (ره) به معنای «اجماع اجباری» است؛ یا امکان گفت وگوی میان فرهنگی، تعاملات فکری و سیاسی در آن پیش بینی شده است؟

یکی از ارکان مهم وفاق ملی پایدار «اجماع سازی» است و اجماع سازی مبتنی بر «گفت وگوهای میان فرهنگی»، «تعاملات فکری» و «مدارای سیاسی» است. این سیره امام خمینی (ره) در دهه اول انقلاب در هنگام تعیین نظام سیاسی و تدوین قانون اساسی و حتی در مواجهه با مخالفان و منتقدان به خوبی مشهود است. به همین دلیل بود که حضرت امام (ره) در دهه اول انقلاب از مناظره های تلویزیونی بین گروه های مخالف و موافق (تا زمانی که آنان به اقدامات خشن روی نبراده بودند) حمایت می کردند و اجماع سازی را از طریق این گفت وگوها پیش می بردند و داور نهایی را رأی مردم می دانستند. همین اجماع سازی بستر شد تا نظام سیاسی و قانون اساسی با آرای اکثریت قاطع تصویب شود و مردم در بحران های مختلف در کنار نظام سیاسی بایستند.



نماینده ایرانشهر در مجلس مطرح کرد:

تقویت حسابرسی سیستمی، زمینه ساز رشد سرمایه گذاری در تولید



این امر، انضباط بخشی به امور اقتصادی و مالیاتی و هوشمندسازی آنهاست.

سیستم های هوشمند مالیاتی می تواند این مشکل را برطرف کند.

وی ادامه داد: در روندهای قدیمی و دستی مالیات ستانی کارها با کندی پیش می رود و هدررفت وقت و انرژی مؤدیان را در رفت و آمدهایشان به سازمان امور مالیاتی داریم. روندهای هوشمند و سیستمی می تواند در کاهش این مشکلات مؤثر باشد. این نماینده مجلس خاطرنشان کرد: روش های هوشمند و سیستمی دریافت مالیات به افزایش عدالت اجتماعی منجر می شود. این روندها به نفع سرمایه گذاران و تولیدکنندگان و مردم است. زیرا نوعی امنیت برای سرمایه گذاری ایجاد می کند. در فضای غیرشفاف نمی توانیم انتظار داشته باشیم که امنیت سرمایه گذاری در سطح بالایی باشد.

باضری در پایان گفت: تحقق شعار سال، نیازمند اقدام های عملی است و یکی از بسترهای لازم برای

وی ادامه داد: در سایه مالیات ستانی هوشمند و سیستمی می توانیم بر کشف مؤدیان جدید و مقابله با فراریان مالیاتی متمرکز شویم. در این شرایط، یستر برای حمایت از تولید و رونق بخشیدن به آن فراهم می شود.

عضو کمیسیون ویژه جهش و رونق تولید در مجلس خاطرنشان کرد: با تکیه بر تقویت حسابرسی سیستمی و تحقق عدالت مالیاتی، زمینه برای جلب اعتماد سرمایه گذاران به منظور سرمایه گذاری در بخش تولید مهیا می شود. همچنین با استفاده از روندهای مالیاتی هوشمند می توانیم به حمایت از تولید در مقابل فعالیت های واسطه ای و مخرب بپردازیم. بامری گفت: هوشمندسازی نظام مالیاتی کشور به معنی افزایش سرعت و دقت در انجام کارهاست. وقتی ممیزان مالیاتی به حسابرسی می پردازند، امکان بروز خطاهای انسانی وجود دارد. استفاده از

تولید، باید زمینه ها و مشوق هایی را در راستای حمایت از تولید مدنظر داشته باشیم. باید سیاست ها را به سمتی ببریم که سرمایه گذاری در تولید برای افراد توجیه اقتصادی داشته باشد. نماینده ایرانشهر در مجلس خاطرنشان کرد: بسترسازی برای تحقق شعار سال مبتنی بر سرمایه گذاری در تولید از اهمیت اساسی برخوردار است. با این اقدام می توانیم اشتغال به وجود بیاوریم، تورم را کنترل و رکود را برطرف کنیم. ایجاد تحرک در اقتصاد در گروی رونق بخشیدن به تولید است که در سایه جذب سرمایه ها به این بخش تحقق پیدا می کند.

بامری گفت: انضباط بخشی به امور اقتصادی و مالیاتی کشور می تواند زمینه ای برای جلب اعتماد مردم و سرمایه گذاری در تولید ایجاد کند. در شرایطی که هنوز درگیر روندهای دستی و قدیمی مالیات ستانی هستیم، مردم به روندهای مالیاتی کشور اعتماد نمی کنند.

عضو کمیسیون ویژه جهش و رونق تولید در مجلس شورای اسلامی، گفت: با تکیه بر تقویت حسابرسی سیستمی و تحقق عدالت مالیاتی، زمینه برای جلب اعتماد سرمایه گذاران به منظور سرمایه گذاری در بخش تولید مهیا می شود. همچنین با استفاده از روندهای مالیاتی هوشمند می توانیم به حمایت از تولید در مقابل فعالیت های واسطه ای و مخرب بپردازیم.

رخصمد یامری نماینده ایرانشهر در مجلس تصریح کرد: تحقق شعار سال مبتنی بر سرمایه گذاری در تولید، در گروی این است که بسترهای لازم را برای آن به وجود بیاوریم. در این راستا، نیازمند آیین نامه، بخش نامه و دستورالعمل هستیم. حتی ممکن است نیازمند تصویب یک سری قوانین در راستای تحقق شعار سال باشیم.

وی ادامه داد: به منظور جذب سرمایه ها به حوزه

نقش پررنگ نشاندار کردن مالیات در توسعه پروژه های زیرساختی

از پروژه های زیربنایی کشور ایجاد کند. این هدف صرف می شود. علاوه براین، اجرای این سیاست علاوه بر سرعت بخشی به پروژه های زیرساختی، می تواند دست واسطه ها و رانت های احتمالی را نیز کوتاه کند. در عمل، بخشی از منابع حاصل از مالیات بر ارزش افزوده یا مالیات سوخت، طبق قوانین بودجه سنواتی در سال های اخیر به پروژه های مانند توسعه راه آهن، تکمیل بیمارستان های نیمه تمام یا زیرساخت آبرسانی روستاها تخصیص یافته است. با وجود این، شفافیت قانونی، ایجاد سیستم های یکپارچه اطلاعاتی، افزایش مشارکت دستگاه های نظارتی و همچنین فرهنگ سازی برای مردم است تا ذهنیت نسبت به اثربخشی مالیات ها اصلاح شود.

مسئولان سازمان امور مالیاتی نیز متفق القولند که سیاست گذاری صحیح در این زمینه، می تواند ایران را در مسیر توسعه شتاب بخشی ببخشد که تاکنون کمتر تجربه شده است.

اطمینان داشت منابع دقیقاً در همان محل هدف صرف می شود. علاوه براین، اجرای این سیاست علاوه بر سرعت بخشی به پروژه های زیرساختی، می تواند دست واسطه ها و رانت های احتمالی را نیز کوتاه کند. در عمل، بخشی از منابع حاصل از مالیات بر ارزش افزوده یا مالیات سوخت، طبق قوانین بودجه سنواتی در سال های اخیر به پروژه های مانند توسعه راه آهن، تکمیل بیمارستان های نیمه تمام یا زیرساخت آبرسانی روستاها تخصیص یافته است. با وجود این، شفافیت قانونی، ایجاد سیستم های یکپارچه اطلاعاتی، افزایش مشارکت دستگاه های نظارتی و همچنین فرهنگ سازی برای مردم است تا ذهنیت نسبت به اثربخشی مالیات ها اصلاح شود.

چنانچه نشان دار کردن مالیات به صورت سیستمی و بدون استثنا اجرا شود و دستگاه های متولی ملزم به گزارش دهی شفاف و دوره ای باشند، این رویکرد می تواند تحولی واقعی در تأمین مالی و بهره برداری

یکی از موافقان جدی این رویکرد، محمدهادی سبحانیان، رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور است که می گوید: «یکی از رویکردهای کلیدی سازمان امور مالیاتی در سال جاری، هدفمند کردن وصول منابع و نشان دار کردن بخشی از درآمدهای مالیاتی برای پروژه های زیرساختی است. ما اعتقاد داریم نشان دار کردن مالیات ها، علاوه بر شفافیت بیشتر نحوه صرف و جلب رضایت مردمی، فرصت های بهتری برای پیشبرد پروژه های ملی فراهم می کند. مردم حق دارند بدانند وعراض و مالیات پرداختی آن ها صرف چه بخش هایی شده و چه دستاوردی برای کشور دارد.» در همین راستا، موحدی بکنظر، معاون درآمدهای مالیاتی سازمان نیز بر لزوم ارتقای زیرساخت های نظارت و شفافیت تأکید دارد و می گوید: «طراحی و اجرای کارآمد نشان دار کردن مالیات ها مشروط به وجود نظام محکم اطلاعاتی و حسابرسی است. اگر این سامانه ها فراهم باشد، می توان

به نحوه مصرف درآمدهای مالیاتی است. این کار علاوه بر آن که اعتماد عمومی به نظام مالیاتی را افزایش می دهد، سبب می شود هدررفت منابع و تأخیر پروژه ها تا حد قابل توجهی کاهش یابد. نمونه موفق این سیاست را برخی کشورها با اختصاص بخش ثابتی از درآمد مالیات سوخت به توسعه شبکه حمل و نقل یا جاده سازی تجربه کرده اند. براساس این تجربیات، اجرای earmarking می تواند سرعت بهره برداری از پروژه ها و حتی کیفیت آن ها را نیز ارتقا دهد. با این حال، نشان دار کردن مالیات افزون بر قوایش، نیازمند الزاماتی از جمله نظام حسابرسی قوی، گزارش دهی مستمر، شفافیت تمام مراحل هزینه کرد و قابلیت رصد و پیگیری هرگونه جابه جایی منابع است. به عبارتی، نبود زیرساخت های اطلاعاتی یکپارچه یا نارسایی در تدوین قوانین اجرایی می تواند این سیاست را ناکارآمد یا حتی آسیب رسان کند.

محدودیت های بودجه ای و نوسانات جدی منابع مالی سنتی بودجه کشور، انگیزه ای ایجاد کرده تا نگاه فعالانه تری برای تضمین تأمین مالی پروژه های مهم زیرساختی شکل گیرد. از این رو کارشناسان سیاست نشان دار کردن مالیات را مطرح می کنند؛ راهکاری که طبق آن درصد معینی از درآمدهای مالیاتی، مثلاً مالیات بر ارزش افزوده یا مالیات بر مصرف سوخت، با تصریح قانونی صرف پروژه ها و برنامه های اولویت دار از پیش تعیین شده می شود. این رویکرد لازم نیست کل مالیات های دریافتی را دربرگیرد، بلکه می تواند در حوزه هایی که به سرمایه گذاری سنگین و پیوسته نیاز دارند، همچون حمل و نقل ریلی، زیرساخت های برق و آب، توسعه شهری یا برق رسانی روستایی اجرا شود. مزیت اساسی این سیاست، ایجاد پایداری در روند تأمین مالی پروژه ها، افزایش شفافیت مالی و پاسخگویی نهادهای اجرایی نسبت

در سال های اخیر، نظام مالی کشور به دنبال یافتن راهایی برای افزایش کارایی، شفافیت و اثربخشی در تأمین مالی پروژه های کلان زیرساختی بوده است. یکی از الگوهای روزآمد که هم اکنون در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و حتی در برخی کشورهای منطقه مورد استفاده قرار می گیرد، نشان دار کردن مالیات است.

این سیاست به معنای تخصیص شفاف و مشخص بخشی از عواید مالیاتی وارد بودجه عمومی شده و تخصیص آن ها براساس اولویت بندی های دولت و ظرفیت های سالانه بودجه ای صورت می گیرد؛ روشی که بارها موجب تأخیر در اجرای پروژه های زیربنایی و حتی نیمه کار ماندن طرح ها شده است.